فرهیختگان
farhikhteganonline
WWW.FDN.IR

برای فهم منافع ملی تهران نه می‌توان از جنگ خوشحال بود و نه تجاوز قدم‌به‌قدم ناتو به‌سمت مرزهای ایران را نادیده گرفت

نه جنگ، نه تطهیر ناتو

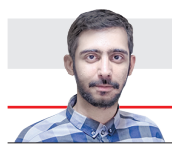

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه بین‌الملل

هیچ مادری و هیچ همسری جنگ را دوست ندارد. دهه‌هاست که بزرگ‌ترین سوغات پیشرفت غرب، بمب‌ها و گلوله‌هایی بوده که بر زندگی مردم خاورمیانه آوار شده است. دهه‌هاست آمریکا و سربازان ناتو این جغرافیا را زیر پوتین‌های سربازان‌شان لگدمال کرده‌اند، غافل از اینکه جنگ، جنگ می‌زاید و جنایت حاصلی جز جنایت ندارد. این‌بار آتش جنگ نه قلب خاورمیانه که به دامان اروپا افتاده است. با این حال هیچ‌کس به اندازه مردم خاورمیانه که دهه‌ها با جنگ، این هیولای کریه، همسایه دیوار به دیوار بوده، از جنگ متنفر و بیزار نیست اما تصمیم جنگ را نه مردم که رهبران و قدرت‌ها می‌گیرند. آنها هستند که بر اختلافات می‌دمند تا از دل آن آتش جنگ‌ها به پا خیزد و از دل آن منافع‌شان را برداشت کنند. این داستان تکراری در اوکراین آتش تازه‌ای به پا کرد. در یک‌طرف میدان روس‌ها بودند و در طرف دیگر آمریکا. روس‌ها که چندسالی است اقتصادشان رو به راه‌تر از قبل شده، اکنون به توافقی استناد می‌کنند که غربی‌ها در آن به شوروی سابق قول داده بودند ناتو را به‌سمت شرق نکشانند اما در سایه ضعف شوروی بعد از فروپاشی، نه‌تنها چنین نکردند که دومینوی پیوستن به ناتو در اطراف روسیه به پا کردند. مسکو که حالا کمی جان گرفته است، پیوستن اوکراین به ناتو را خط قرمز می‌داند و به بهانه تشدید تنش‌ها در این‌باره، ترجیح داد به جای نظاره‌گری، به اوکراین حمله کند.

در سوی دیگر اما آمریکا، کشوری که از روزهایی که هژمون غالب بود، فاصله معناداری گرفته، قصد داشته و دارد کمربند امنیتی و نظامی خود را دور کشورهایی تشدید کند که برپایه «راهبرد استراتژیک امنیت ملی» کشورش، تهدید علیه واشنگتن تلقی می‌شوند. در این سند که در میانه اسفند سال گذشته در توضیح «تغییر و ایجاد تهدیدهای جدید» نخست به نام چین و روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدیدها برای آمریکا اشاره شده، سپس از ایران در کنار کره‌شمالی نام برده شده است. آمریکا بازیگر اصلی و هدایتگر جنگ اوکراین، برای مقابله با روسیه از ناتو، برای مقابله با چین از پیمان‌هایی همچون آکوس و برای ایران نیز از ائتلاف عربی به‌همراه رژیم‌صهیونیستی بهره می‌برد. در تحلیل حمله روسیه به اوکراین، نباید از نقش‌آفرینی آمریکای رو به افول چشم‌پوشی کرد. آنها شاید این روزها توان ورود به نبرد با یک ابرقدرت را نداشته باشند اما با حس ترسی که از این جنگ در دل اروپا کاشتند، تا مدت‌ها قاره سبز را تبدیل به دنباله‌رو خود خواهند کرد. اگر آمریکایی‌ها بتوانند سرنوشت این تقابل را آن‌گونه که می‌خواهند رقم بزنند، احتمالا سراغ گزینه دوم یعنی چین بروند و در تایوان همان نقشه‌ای را اجرا کنند که در اوکراین اجرا کردند.

نقشه مشابه هیتلر و ناتو برای گسترش به شرق

آدولف هیتلر، رهبر آلمان نازی پس از اشغال مرکز و غرب اروپا تصمیم گرفت به شوروی نیز حمله کند. هیتلر درصورت موفقیت می‌توانست با اشغال شوروی، اروپای شرقی و سرزمین اصلی روسیه را نیز به دست آورد و بر قفقاز نیز مسلط شود. بر همین مبنا بود که هیتلر از همان ابتدای حمله به شوروی تلاش کرد از سمت محور جنوبی که از سرزمین اوکراین می‌گذشت هرچه سریع‌تر راهی به‌سمت قفقاز بگشاید. دسترسی به این منطقه باعث می‌شد تا آلمان به ایران دست یافته و از طریق آن به غرب آسیا و حتی شبه‌قاره هند راه یابد.

امروزه نیز ناتو تقریبا اهدافی مشابه با هیتلر دارد، اما به جای آنکه همانند هیتلر با تاکتیک حمله برق‌آسا و حملات یگان‌های مخوف وافن اس‌اس و ستون‌کشی نظامی این کار را انجام دهد، از طریق راه‌اندازی انقلاب‌های مخملی، ساقط کردن دولت‌های قانونی و همچنین مهندسی افکار عمومی به‌دنبال پیشروی در جبهه‌هاست.

آمریکا در همین راستا پس از سقوط بلوک شرق گام‌هایی بزرگ در گسترش به‌سمت شرق برداشت. در سال ۱۹۹۹ سه کشور لهستان، چک و مجارستان که پیش از این در پیمان ورشو عضویت داشتند به جمع ناتو پیوستند. در سال ۲۰۰۴ نیز موج دیگری از کشورهای شرق و جنوب اروپا مانند بلغارستان، رومانی، اسلوونی و اسلواکی به همراه سه کشور واقع‌شده در دریای بالتیک یعنی لیتوانی، لتونی و استونی مورد پذیرش ناتو قرار گرفتند. این کشورها نیز پیش‌تر بخشی از بلوک شرق بودند اما سه جمهوری بالتیک نزدیکی بیشتری به مسکو داشتند و بخشی از شوروی به حساب می‌آمدند.

همزمان با عضویت این کشورها در ناتو، غرب به موفقیت‌های بزرگی در دیگر سرزمین‌های شوروی سابق نیز دست یافته بود، به‌گونه‌ای که گرجستان توسط انقلاب گل رز به تصرف غرب درآمده و اوکراین نیز در سال ۲۰۰۴ با اردوکشی‌های خیابانی صورت گرفته به‌دست آمریکا افتاده بود.

به همین دلیل واشنگتن به‌سرعت تلاش کرد گرجستان و اوکراین را به عضویت ناتو درآورد اما تلاش‌های آمریکا به‌دلیل برخورد با بحران مالی بزرگ سال ۲۰۰۸ متوقف ماند. در این سال حمله روسیه به گرجستان و تهدید اوکراین به تهاجمی مشابه، مانع از پیوستن این دو کشور به ناتو شد.

با این حال آمریکا بحران مالی ۲۰۰۸ یک وقفه بود و نه یک بن‌بست کامل، ازاین‌رو واشنگتن به آرامی و به شکلی مخفیانه مسلح‌سازی متحدان خود به تسلیحات هجومی را آغاز کرد. واشنگتن در این مسیر از دهه ۲۰۰۰ تاکنون موضوع استقرار رادارهای پیشرفته را در رومانی مطرح کرده که به‌طور خاص علیه ایران و بیشتر از آن روسیه عمل می‌کنند. در سوی دیگر آمریکا روند فروش تسلیحات به کشورهای شرق اروپا را به‌شدت تقویت کرده و براساس اطلاعات منتشرشده توسط سرویس‌های اطلاعاتی روسیه، واشنگتن تسلیحات تهاجمی زیادی را نیز در این کشورها مستقر ساخته است که می‌تواند علیه هرکشوری که در منطقه تحت تسلط آمریکا نیست، خطرساز باشد.

واشنگتن بهانه خود را مقابله با تسلط مجدد روسیه بر این کشورها می‌داند؛ اما آنچه واضح است چنین اقداماتی همزمان با آنکه برای مسکو یک خطر به شمار می‌روند، یک دلیل برای احیای تسلطش بر کشورهای شرق اروپا نیز هستند، موضوعی که می‌تواند به ازبین‌رفتن استقلال کشورهای این منطقه و حتی تجزیه و نابودی‌شان نیز منجر شود. آمریکا در اصل کشورهای شرق اروپا و حتی قفقاز را هیزم آتشی برای سوزاندن رقبا و دشمنان خود در منطقه کرده، بدون آنکه توجهی به تبعات این اقدامش برای مردم کشورهای منطقه داشته باشد. اوکراین تنها یک نمونه در این مسیر است که آمریکا با تلاش‌های خود توانسته آن را به محلی برای مقابله با روسیه تبدیل کند. با این حال واشنگتن خود را از درگیری کنار کشیده و برخلاف ادعای جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا که گفته برای خلاصی مردم اوکراین از جنگ دعا می‌کند، در دل آرزوی طولانی شدن جنگ در این کشور را دارد تا روسیه تضعیف شده و کشورهای شرق اروپا نیز خود را بیشتر از گذشته محتاج واشنگتن تلقی کنند.

درس آمریکا از سیاست «نفوذ هلی برنی در حوزه ژئوپلتیکی رقبا»

آمریکا از تشدید تلاش‌هایش برای گسترش ناتو به شرق اهداف بزرگی در سر دارد. اصلی‌ترین هدف واشنگتن ایجاد خطوط تدارکاتی مطمئن روی زمین برای دسترسی تضمین‌شده و کامل به آسیاست.

آمریکا با آغاز قرن بیست‌ویکم و برای تضمین هژمونی جهانی خود تصمیم گرفت در جایی مستقر شود که بتواند بر ۴ قدرت بزرگ شرقی یعنی روسیه، چین، هند و ایران نظارت کند. بر همین مبنا و به بهانه عملیات مشکوک ۱۱ سپتامبر، آمریکا دست به اشغال افغانستان زد تا از طریق این کشور بتواند مناطق پیرامونی آن را دستخوش نفوذ و تغییرات کند. اقدام آمریکا درحالی صورت گرفت که خطوط تدارکات‌رسانی زمینی معتبری برای دسترسی به این کشور در اختیار واشنگتن نبود. آمریکا گرچه از طریق پاکستان و ازبکستان به‌صورت زمینی با افغانستان در ارتباط بود اما مسیرهای عبوری از این دو کشور و همچنین دولت‌هایشان چندان برای این اقدام آمریکا قابل اتکا نبوده و مورد وثوق کامل کاخ سفید به‌شمار نمی‌رفتند. آمریکا در اجرای سیاست «نفوذ هلی برنی در حوزه ژئوپلیتیکی رقبا» که در افغانستان صورت گرفت متوجه شد به دلیل عدم دسترسی زمینی قادر به در اختیار گرفتن سرپل مطمئنی در قلب آسیا نیست.

عدم دسترسی زمینی به افغانستان مجموعه مشکلاتی از مسائل ساده تا پیچیده را به روی آمریکا گشوده بود. نبود مسیر مطمئن زمینی باعث شد تا تدارکات‌رسانی به نیروهای ناتو در افغانستان با مشکلات و هزینه زیادی مواجه باشد. نیروهای طالبان بارها با کمین علیه کاروان‌های بزرگ تدارکاتی ناتو در خاک پاکستان این کاروان‌ها را به‌طور کامل منهدم می‌کردند، در سوی دیگر نیز مسیر ازبکستان به دلیل نفوذ روسیه تقریبا مسدود شد.

عدم دسترسی زمینی به افغانستان برای غرب یک معنی دیگر نیز داشت. این مساله باعث می‌شد تا آمریکا هیمنه‌ای بر مرزهای افغانستان نداشته باشد تا بتواند از طریق آن برای کنترل این کشور از این مرزها ابزارسازی کند. برای آنکه این موضوع شفاف‌تر شود نیاز است تا مورد عراق در همین زمینه بررسی شود. در عراق، آمریکا به دلیل برخورداری از خطوط لجستیکی و همچنین تسلط بر مرزهای مجاور عراق قادر به حفظ مناسب‌تر این کشور، به نسبت افغانستان است. با وجود بمب‌گذاری‌های گسترده علیه کاروان‌های نظامی آمریکا در عراق، یگان‌های این کشور از تحرک خوبی در سطح این کشور برخوردار هستند و رفت‌وآمد زیادی در مرزهای کویت، اردن و سوریه با عراق صورت می‌گیرد.

از طرف دیگر آمریکا به دلیل امکان حفظ حضور نظامی خود در عراق و از سوی دیگر تسلط بر مرزهای این کشور، قادر است بر محاسبات مسئولان عراق اثرگذار باشد. درحالی که مسئولان افغانستانی برای تجارت با ایران، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، چین و پاکستان به اجازه آمریکا نیازی نداشته و اراده واشنگتن تاثیر چندانی بر این مسیرها ندارد، در عراق اما آمریکا از طریق مرزهای کویت، عربستان سعودی، اردن و حتی ترکیه قادر است تا دست به فشار بر تجارت خارجی عراق زده و از این مرزها تروریست به خاک این کشور تزریق کند.

در حوزه منطقه‌ای نیز آمریکا برای اعمال فشار بر عراق می‌تواند کشورهای عربی را به دلیل هراس‌شان از عراق که یک بار در جریان اشغال کویت توسط صدام در اوایل دهه ۹۰ میلادی، آن را تجربه کرده‌اند، به سمت ائتلاف و همکاری در عراق فراخواند؛ درحالی که افغانستان اولویت بسیاری از متحدان آمریکا نیست. آمریکا می‌داند اگر از طریق کریدور به یک منطقه دست یابد می‌تواند همانند عراق یک هیمنه سنگین روی منطقه تحت تسلط خود حفظ کند و تحت سنگین‌ترین شرایط به ادامه حضور در آن بپردازد و حتی پس از اخراج بار دیگر به آن بازگردد؛ در غیر این‌صورت همانند افغانستان سرنوشتش فرار قطعی و دائمی است.

علی‌رغم دسترسی آمریکا به چند مسیر دسترسی در منطقه اما کریدورهای پیشین تنها برای تسلط و مهار کشوری مانند عراق کافی است. این مسیرهای دسترسی برای حضور در کشوری با مختصات و توان ایران به‌تنهایی کارایی ندارند. به‌عنوان نمونه کویت که دوبار در دو دهه پی‌درپی محلی برای اشغال و حفظ سلطه آمریکا بر عراق بوده است به دلیل توان نظامی و موشکی ایران به هیچ‌عنوان قابلیت مشابهی دربرابر ایران ندارد.

چنین مسیرهایی برای تسلط بر ایران و عبور از این کشور برای نفوذ به آسیای میانه و فلات تبت کافی نیستند. به همین دلیل واشنگتن قصد دارد ضمن تقویت ساختارهای نظامی خود در شرق اروپا، از سمت قفقاز تحت کنترل روسیه، وارد قفقاز جنوبی و کشورهای گرجستان، ارمنستان و آذربایجان شده و با تسلط بر حوزه خزر و تحت‌تاثیر قرار دادن آسیای میانه، ایران را از چندین جهت در محاصره‌ای سنگین و سخت قرار دهد. در چنین شرایطی وضعیت ایران مشابه عراق در دهه ۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی خواهد شد.

امروزه نیز گرچه گرجستان در چهارچوب جبهه غربی قرار دارد اما به دلیل عدم عضویت در ناتو، مسلح نبودن به تسلیحات خاص و عدم امکان استقرار ارتش‌های خارجی در این کشور، نقش و توان چندانی برای محاصره و آسیب‌رسانی به ایران ندارد، چه اینکه آذربایجان نیز در جریان تحولات قره‌باغ چنین توانی را در خود ندید. این وضعیت اما درصورتی که ناتو بتواند شرق اروپا را از تسلیحات تهاجمی اشباع ساخته و با تجزیه روسیه از طریق جمهوری‌های جنوبی این کشور خود را به قفقاز جنوبی متصل سازد، استمرار نمی‌یابد. پس از آن دیگر گرجستان، آذربایجان و ارمنستان سه کشور با رفتارهایی مشابه امروز نخواهند بود، بلکه با اتکا به آمریکا و حضور نظامی‌اش در خاک این کشورها رفتارهایی به‌شدت تهاجمی علیه ایران اتخاذ خواهند کرد و به محلی برای توطئه علیه تهران تبدیل می‌شوند.

نمونه واضح آن اوکراین است که پس از وقایع سال ۲۰۱۴ که به سقوط دولت قانونی این کشور انجامید، همواره دست به مواجهه با روسیه زده و پیش از جنگ اخیر، بارها به گونه‌ای مسکو را تهدید کرده بود که گویی اوکراین ابرقدرت است و روسیه کشوری کوچک. هنگامی که ناتو به اطراف ایران برسد آذربایجان دیگر دربرابر تهران احساس وسعت، جمعیت و توان نظامی کمتر را نخواهد داشت و بیشتر از تحولات سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ دست به تحریک ایران خواهد زد.

راهکار مقابله با ناتو چیست؟

راهکار کلی مناسب دربرابر سیاست غرب، قطعا مقابله با گسترش ناتو به شرق است، اما این مساله الزاما نیازمند جنگ نیست. ایران پیش‌تر در قضایای لبنان، سوریه و عراق نشان داد حمایت از ملت‌ها و همچنین ارائه مشاوره سیاسی و نظامی به آنها یک اصل اساسی در شکست توطئه‌های غرب است. ایران در قضیه حمایت از سوریه دربرابر حمله تروریست‌های وابسته به غرب، توانی به‌شدت کمتر از این جبهه داشت و به‌دلیل محاصره سوریه حتی درصورت اراده، قادر به رساندن تسلیحات و کمک‌های اقتصادی به این کشور نبود. در آن دوره شرق سوریه در دستان داعش، شمال آن در دستان تروریست‌های وابسته به ترکیه و جنوب آن نیز تحت تسلط تروریست‌های پشتیبانی‌شده ازسوی عربستان و اردن قرار داشت. درکنار این مسائل، مسیرهای داخلی سوریه نیز ناامن بود و بنادرش به‌دلیل تسلط غرب بر دریای مدیترانه و بمباران‌های رژیم‌صهیونیستی قابل استفاده نبود. با وجود این، ایران با ارائه راهکارهایی به دولت سوریه مانند تشکیل نیروهای دفاع وطنی موفق شد پیشروی تروریست‌ها را متوقف کرده و سپس با درخواست از دمشق برای مذاکره با مخالفان، از لحاظ سیاسی نیز موجب برقراری آرامش و شفاف‌شدن صحنه برای بسیاری از مخالفان سوری شد. قطعا کار در اوکراین برای روسیه دشوارتر از کار ایران در سوریه نیست.

مسکو می‌تواند با تقویت جریان‌های مردمی و گفت‌وگو با گروه‌های سیاسی اوکراینی که قطعا آنها نیز از تسلط و نفوذ نئونازی‌ها بر کی‌یف ناراحت هستند، بحران اوکراین را به شکل پایداری حل کند. روسیه خود نیز در سوریه چنین مسیری را تجربه کرده است. مسکو در این کشور از یک‌طرف به تقویت یگان‌های نظامی و مردمی سوریه پرداخته و ازسوی دیگر گفت‌وگو با مخالفان سوریه را تسهیل کرده و حتی خود مسئولیت آن را برعهده گرفته است.

ایران و بحران گسترش ناتو

ایران به مدت چندین دهه نه‌تنها در برابر گسترش نظامی غرب، بلکه دربرابر حملات مستقیم نظامی آن نیز با روش‌های خود پایداری کرده است. هشت‌سال جنگ با رژیم بعث صدام در دهه ۱۹۸۰، مواجهه با حضور نظامی آمریکا در منطقه به‌ویژه پس از اشغال افغانستان و عراق و همچنین مقابله با تروریست‌های دست‌ساز غرب ازجمله مواردی بوده که ایران با راهکارهای خود توانسته در برابر آنها مقاومت کند. در تمام این موارد اتکای ایران به مردم بوده است. در جریان جنگ میهنی ایران علیه تجاوز ارتش بعث عراق، تهران با بسیج مردم خود موفق به ممانعت از اشغال خاکش توسط عراق شد. تهران سپس این روش را در سراسر بحران‌های منطقه به کار گرفت. طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰ تهران با کمک به مردم لبنان موجب شد جنوب این کشور از دست صهیونیست‌ها خارج شود، در سال ۲۰۰۵ مشاوره‌های ایران باعث خروج رژیم‌صهیونیستی از غزه شد، در عراق نیز ایران با بسیج مردم این کشور موجب رقم‌زدن نخستین اخراج آمریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ شد. جدیدترین اقدام تهران در این راستا در جریان تهاجم تروریست‌های داعش به سوریه و عراق رخ داد که در آنها ایران با اتکا به نیروهای «قوای دفاع وطنی» سوریه و «حشدالشعبی» عراق موفق شد به دولت‌های دمشق و بغداد برای سرکوب تروریست‌ها کمک کند. ایران برای مقابله با ناتو همچنان باید بر ظرفیت‌های مردمی در سطح منطقه حساب کند.

سازمان آگهی‌های روزنامه فرهیختگان
Advertisement`s Organization
تلفن: ۶۶۳۴۸۰۱۸-۶۶۳۴۸۰۴۶ (۰۲۱)
فکس: ۶۶۳۴۸۰۱۷ (۰۲۱)
ایمیل: a66348018@gmail.com

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت پیکان مدل ۸۸ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۱۴۸۷۰۶۹۲۸۷ به شماره شاسی NAAA36AA39G811767 و به شماره پلاک ۶۶۸-۱۴ ص ۸۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

برگ سبز خودرو سمند مدل ۸۸ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۴۸۷۲۶۸۴۱۴ و به شماره شاسی NAAC91CC99F186612 و به شماره پلاک ۱۹۵-۱۴ ص ۱۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

برگ سبز خودرو پژو پارس مدل ۹۹ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۴K1452642 و به شماره شاسی NAAN01CE3LH248809 و به شماره پلاک ۳۵۳-۱۴ ی ۴۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

✦✦✦

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب محمد یارعلی فرزند بهرام به شماره شناسنامه ۲۱۲۹۱ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی شوشتر با شماره ۸۳۲۰۴۰۲۴۴۲۳۰ مفقود گردیده است و فاقد هرگونه اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر به نشانی شوشتر-منطقه شوشترنو-بلوار دانشگاه-دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر کد پستی ۶۴۵۱۷۴۱۱۱۷ ارسال نماید.

✦✦✦

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سعید پردلی فرزند رضا به شماره شناسنامه ۱۱ صادره از جیرفت در مقطع کاردانی رشته امور زراعی و باغی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد جیرفت با شماره... مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به نشانی جیرفت خیابان دانشجو دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت ارسال نماید.

✦✦✦

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۰۹۰۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه پرونده ۱۳۹۹۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۲۴۳۷ تقاضای ۱- موسی پهلوانی نژاد به شماره شناسنامه ۴ کد ملی ۲۱۲۲۴۱۱۶۳۵ صادره از گرگان فرزند محمدعلی در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی ۲- فضل‌الله پهلوانی نژاد به شماره شناسنامه ۴۱۰۴ و کد ملی ۲۱۲۰۳۷۲۶۴۰ صادره از گرگان فرزند محمدعلی در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به‌مساحت کل ۴۳۸۶۴/۳۵ مترمربع از پلاک شماره ۲۴۱ اصلی واقع در اراضی ورسن سفلی بخش ۲ حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی قلی بالارستاقی به متقاضیان را دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود و درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۲/۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

م.الف/۱۰۳۷۶ علی برقی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان